

۲۱۸۰۲۰۱
۱۴۰۰ ۱۲/۱۷

پایان یک اسطوره

«اقتباس نظریات ابن خلدون از رسائل اخوان الصفا»

ترجمه کتاب

نهایة أسطورة

«اقتباس نظریات ابن خلدون من رسائل إخوان الصفا»

www.ketab.ir
تألیف
دکتر محمود اسماعیل

ترجمه

عبدالوحید نویدی



شماره مسلسل ۱۰۶۸۴

شماره انتشار ۴۳۸۹

انتشارات دانشگاه تهران

سرشناسه	اسماعیل، محمود	Ismail, Mahmud
عنوان قراردادی	نهایه اسطوره: نظریات ابن خلدون مقتبسه من رسائل اخوان الصفا. فارسی	
عنوان و نام پدیدآور	پایان یک اسطوره: «اقتباس نظریات ابن خلدون از رسائل اخوان الصفا»	
	ترجمه کتاب نهایه اسطوره .../ تألیف محمود اسماعیل؛ مترجم عبدالوحد نویدی.	
مشخصات نشر	تهران: دانشگاه تهران، مؤسسه انتشارات، ۱۳۹۹.	
مشخصات ظاهری	۱۲۵ ص.	
فروست	انتشارات دانشگاه تهران؛ شماره انتشار ۴۳۸۹.	
شابک	978-964-03-0166-1	
وضعیت فهرست‌نویسی	فیا	
عنوان دیگر	«اقتباس نظریات ابن خلدون از رسائل اخوان الصفا» ترجمه کتاب نهایه اسطوره...	
موضوع	ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد ۷۳۲-۸۰۸ق. -- نقد و تفسیر.	
موضوع	Ibn Khaldun - Criticism and Interpretation	
موضوع	رسائل اخوان الصفا -- نقد و تفسیر	
موضوع	فلسفه اسلامی -- متون قدیمی تا قرن ۱۴	
موضوع	Islamic Philosophy - Early Works to 20th Century	
موضوع	علوم طبیعی -- متون قدیمی تا قرن ۱۴	
موضوع	Physical Sciences - Early Works to 20th Century	
شناسه افزوده	نویدی، عبدالوحد، ۱۳۶۲- مترجم	
شناسه افزوده	دانشگاه تهران، مؤسسه انتشارات. University of Tehran. Press.	
رده‌بندی کنگره	۱۴۰۰ ۱۱۶/۷	
رده‌بندی دیویی	۹۰۷/۲۰۲۴	
شماره کتابشناسی ملی	۷۵۱۸۸۵۷	

این کتاب مشمول قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان است. تکثیر کتاب به هر روش اعم از فتوکپی، ریسوگرافی، تهیه فایل‌های pdf، لوح فشرده، بازنویسی در وبلاگ‌ها، سایت‌ها، مجله‌ها و کتاب، بدون اجازه کتبی ناشر مجاز نیست و موجب پیگرد قانونی می‌شود و تمامی حقوق برای ناشر محفوظ است.
(این کتاب با کاغذ حمایتی به چاپ رسیده است.)



عنوان: پایان یک اسطوره «اقتباس نظریات ابن خلدون از رسائل اخوان الصفا»

تألیف: دکتر محمود اسماعیل

ترجمه: دکتر عبدالوحد نویدی

ویرایش ادبی: فرشاد رضوان

نوبت چاپ: اول

تاریخ انتشار: ۱۴۰۰

شمارگان: ۲۰۰ نسخه

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران

چاپ و صحافی: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران

«مسئولیت صحت مطالب کتاب با مترجم است»

بها: ۳۸۰۰۰۰ ریال

خیابان کارگر شمالی - خیابان شهید فرش مقدم - مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران

پست الکترونیک: press@ut.ac.ir - تارنما: <http://press.ut.ac.ir>

پخش و فروش: تلفکس ۸۸۳۳۸۷۱۲



فهرست مطالب

ج	مقدمه مترجم
ق	مقدمه
۱	اخوان الصفا
۹	ابن خلدون
۹	(اسطوره)
۲۳	نمونه متن های اقتباسی ابن خلدون از اخوان الصفا
۲۳	(بیان اسطوره)
۲۳	گستره جغرافیایی بخش های آباد و مسکونی زمین
۲۵	اقتصاد
۲۳	عمران (اجتماع)
۴۱	تاریخ و اخلاق
۵۱	سیاست
۵۵	علوم و معارف
۷۵	الهیات
۷۷	فهرست جلد اول
۷۷	فهرست جلد دوم
۷۷	عنوان
۷۷	امور جسمانی و طبیعی
۷۷	علوم الهی و شرعی
۸۳	نتیجه
۸۷	منابع
۹۱	کتاب های نویسنده
۹۳	کتاب حاضر
۹۵	فهرست اعلام

مقدمه مترجم

یکی از مسائل مهم در حوزه تمدن و فرهنگ اسلامی، بازشناسی و واکاوی میراث علمی اسلامی است. واقعیت این است که در دوره ای از تمدن اسلامی، بسیاری از علوم به برکت فرهنگ اسلامی، گسترش چشمگیری پیدا کرده و نگاهی به تاریخ علوم قبل و بعد از اسلام، این واقعیت را به خوبی روشن می‌سازد. دانشمندان مسلمان با الگو گرفتن از قرآن و سنت پیامبر و اخذ آرا و نظریات پیش از خود، به بررسی دقیق و موشکافانه آنها پرداخته و بر این اساس، شالوده تمدن اسلامی را بنا نهاده‌اند. دانش‌ها و حکمت‌های ملل مختلف هندی، چینی، یونانی، سریانی و ایرانی از خلال ترجمه، رهسپار سرزمین‌های اسلامی شد و اندیشمندان بلاد مختلف و مهم‌تر از همه ایرانیان، بذرای اندیشه و تفکر خود را به کمک این ترجمه‌ها بارور کردند و ضمن شرح و نقد آنها، مفاهیم جدیدی را نیز بر آنها افزودند و تمدنی با هویت ویژه و مخصوص به خود بنا نهادند که هر چند آمیزه‌ای از تمدن‌های مختلف بود، اما کاملاً تقلیدی، ترجمه‌ای و عاریتی نبود. تا آنجا که بنا به گفته برتراند راسل^۱ مسلمانان در سرتاسر دوران تاریک قرون وسطی، سنت تمدن را پیش می‌بردند و حتی صاحب نظرانی چون راجر بیکن در اواخر قرون وسطی با اقتباس از مسلمانان به معرفت علمی رسیده اند. به قول جرج سارتن^۲ درست زمانی که چرخ اندیشه تجربی در قرون وسطی عملاً متوقف شده بود، این مسلمانان بودند که آن را به پیش می‌بردند.

باری، مسلمانان توانستند افکار و اندیشه‌های خود و نیز میراث به جای مانده از تمدن‌های پیشین را آنچنان خلافاً توسعه و تکامل دهند که طی تنها چند قرن در علوم مختلف پیشرفت وسیعی داشته و به‌طور چشمگیری، برتری علمی خود را بر جهانیان دیکته کرده‌اند. آنان توانستند از قرن دوم هجری به بعد که قرن تدوین و شکوفایی علوم بوده است، به پیشرفت چشمگیری در حوزه دانش و تمدن نائل آیند. دلیل این پیشرفت نیز چیزی نبود جز استقرار سیاسی، رفاه اقتصادی، تسامح و تساهل نسبت به سایر مذاهب و شکوفایی فرهنگی.

در این میان، قرن‌های سوم تا پنجم هجری در تاریخ تمدن اسلامی آنچنان عجیب و شگفت‌انگیز است که نظیر آن را در سایر دوران نمی‌توان یافت. فرهنگ دینی با اعمال فشار حاکمان عباسی رو به انزوا نهاد، به طوری که عملاً از صحنه زندگی روزمره مسلمانان کنار رفت و جهان اسلام به عرصه رقابت‌ها، تاخت و تاز امپال و ایجاد هرج و مرج و اضطراب تبدیل شد و آن گونه که حمید عنایت گفته

۱- حکیمی، بی تا: ۱۰۴.

۲- سارتن، ۱۳۷۹: ۲۱۳.

است^۱، همه تحولات و دگرگونی‌هایی که از زمان وفات نبی اکرم(ص) در حیات سیاسی، اجتماعی، روانی و اقتصادی مسلمانان رخ داده بود، در این دو قرن به صورت بحران فراگیر اجتماعی و معنوی جلوه‌گر شد. نه تنها آرمان‌های قرآنی بر جامعه اسلامی آن زمان حاکم نشد، بلکه درست به همان چالش‌هایی مبتلا شد که رسالت محمدی برای ریشه‌کن کردن آنها به میدان آمده بود و از اسلام جز نام و پوسته‌ای از باورهای ظاهری، خشک و پندارهای خرافاتی چیزی باقی نمانده بود. پراکندگی سیاسی جامعه اسلامی که با ظهور جنبش‌های آزادی‌خواه آهنگ تندتری به خود گرفته بود، به آشفتگی‌های بیشتر دامن می‌زد و حرمت و اعتبار همه موازین اخلاقی و دینی را زیر سؤال می‌برد.

اما در روی دیگر سکه با پیشرفت‌های علمی و فرهنگی چشمگیر جامعه اسلامی و باروری افکار و اندیشه‌ها روبه‌رو هستیم؛ دورانی که تمدن اسلامی در حوزه اندیشه و علم، از آغاز تاکنون مانند آن را هرگز به خود ندیده است. در این دوران، روند ترجمه به‌ویژه در عصر هارون الرشید و مأمون، از زبان‌ها و فرهنگ‌های مختلف رو به فزونی نهاد؛ آرا و افکار دیگر ملت‌ها از قبیل ایران، هند و به‌ویژه یونان در میان مسلمانان رواج گسترده‌ای یافت؛ شعر و ادب شکوفا شد؛ علم و فلسفه نضج یافت؛ علوم لغوی رو به تکامل نهاد؛ تاریخ و جغرافیا به عرصه وجود گذاشت؛ مدارس، جایگاه والایی یافت و از بزرگان علم و ادب پیوسته تمجید می‌شد، به طوری که با ظهور چهره‌های نامی و برجسته‌ای چون ابوحنیف توحیدی، خوارزمی، خیام نیشابوری، ابوالوفای بوزجانی، ابوعلی بنیانی، جابر بن حیان، زکریای رازی، ابن‌نفیس، ابن‌ندیم، صاحب‌بن عباد، مسکویه، فارابی، ابن‌هیثم، بیرونی، ابن‌سینا، زهراوی، اصفهانی، طبری، مسعودی و جماعت اخوان الصفا روبه‌رو هستیم.

اما از بخت بد از قرن پنجم و کمی قبل‌تر از آن، اتفاقاتی در جهان اسلام به‌وقوع پیوست که موتور پیشرفت علم و تمدن اسلامی را که روزبه‌روز شتاب بیشتری می‌گرفت، از کار انداخت. حالت تحجر و جمود ذهنی، بی‌اعتنایی به عقلانیت، تقلید محض از پیشینیان، بسته‌شدن باب اجتهاد، جزمیت‌گرایی و بی‌فروغی چراغ علم، جرعه‌های انحطاط و عقب‌ماندگی تمدن اسلامی را زده بود و در ادامه، بی‌لیاقتی خلفای اسلامی، هجوم قبایل و صحرائشینان آسیای مرکزی، حملات ویرانگر و تمدن‌برانداز مغول و جنگ‌های صلیبی، به این تمدن به شدت آسیب رساند و آن را از بنیاد دچار تزلزل کرد و در نتیجه آرزوی استمرار تولید علم و اندیشه در تمدن اسلامی یکسره بر باد فنا رفت. بعد از این اتفاقات نیز، فضای اجتماعی حاکم بر جامعه مانع جدی هرگونه پیشرفت علمی و صنعتی شد، زندگی به حالت روزمرگی درآمد و هیچ‌گونه نیازی به گره‌گشایی علمی در هیچ زمینه‌ای احساس نمی‌شد.

قرن هفتم به دلیل شورش‌ها، قتل و غارت، ویرانی شهرها، حملات وحشیانه و پیاپی تاتار و عدم استقرار احوال، یکی از بدترین قرن‌هایی است که تمدن اسلامی به خود دیده است. شهرهای آباد و

تروتمندان آن زمان تمدن اسلامی مانند سمرقند، خوارزم، بخارا، بلخ، مرو، هرات، بصره، کوفه، دمشق و بغداد نابود شدند و آثار و مراکز فرهنگی و بناهای اسلامی در آتش خشم و بربریت سوخت. انحطاط اخلاقی جامعه اسلامی که البته از قرن‌ها قبل شروع شده بود، از این قرن به بعد به اوج خود می‌رسد. با نگاهی حتی مختصر به کتاب‌های تاریخی می‌توان روی نمونه‌های فراوانی از بی‌اخلاقی‌های جامعه اسلامی و انحراف از مبادی اصیل اسلام به‌ویژه از جانب خلفا، پادشاهان و وزیران انگشت گذاشت.

این اوضاع وخیم، در قرن هشتم و نهم هجری (چهاردهم میلادی)، جهان اسلام را هم به لحاظ سیاسی و هم به لحاظ فرهنگی به ورطه نابودی کشانید. در قرن نهم، جامعه اسلامی به دلیل قدرت گرفتن نظام فتودالیسم و حملات عثمانی‌ها، به شدت دچار هرج و مرج و آشفتگی شد. کشورهای غرب اسلامی هرچند از یورش‌های ویرانگر مغول در امان بودند، اوضاع چندان مناسبی نداشتند. جامعه اسلامی در اندلس که بیش از سه قرن از درخشان‌ترین سرزمین‌های اسلامی به‌شمار می‌رفت، به سرنوشت مشابهی گرفتار و به کلی از دست مسلمانان خارج شد و در نتیجه، بخشی عظیمی از مسلمانان، اندلس را به مقصد آفریقا ترک کردند. در آفریقا نیز شرایط مسلمانان چندان مساعد نبود. از یک سو، حکومت‌های محلی گوناگونی که بر اثر ضعف قدرت سیاسی خلافت به وجود آمده بودند، پیوسته در جنگ و درگیری روزگار خود را سپری می‌کردند و از سوی دیگر، توان طبقه زمین‌داران فزونی گرفته بود که مدام با حاکمان محلی سر ناسازگاری در پیش داشتند. همه این موارد سبب شد تا چرخه تولید علم و اندیشه در تمدن اسلامی دچار وقفه شدیدی شود.

اما مشکل تمدن اسلامی به این موارد ختم نشد، در دوران معاصر نیز که استعمار به وجود آمد، در کنار استبداد که در حکومت‌های اسلامی پدیده‌ای بس کهن است^۱، به شکل فزاینده‌ای، عقب‌ماندگی و انحطاط فرهنگ و تمدن اسلامی را سرعت بیشتری بخشید. برخلاف نظر برخی پژوهشگران، نمی‌توان از نقش مخرب و ویران‌کننده استعمارگران در عقب‌ماندگی جوامع اسلامی به‌سادگی چشم پوشید. بی‌شک این نقش آن‌چنان بزرگ و پررنگ است که کمتر نیاز به توضیح و تشریح دارد. قرن‌هاست که استعمارگران با یورش‌های مدام و بی‌وقفه خود در پی تجزیه و فروپاشی و در نهایت عقب‌ماندگی کشورهای اسلامی‌اند. با این حال، نباید گمان کرد که استعمار تنها عامل این انحطاط و عقب‌ماندگی است، زیرا استعمار و در کنار آن استبداد خود معلول مجموعه‌ای از شرایط هستند و تا زمانی که آن شرایط استعمار و استبدادپذیر وجود داشته باشد و جوامع اسلامی در خشکاندن ریشه‌های آنها ناتوان باشند، انتظار از بین رفتن این دو پدیده شوم از میان آنها، خیالی بیش نیست. باید اعتراف کرد که

۱- شروع استبداد را می‌توان با حکومت بنی‌امیه مقارن دانست. در روزگار خلفای عباسی نه تنها از ابعاد این پدیده شوم کاسته نشد، بلکه حتی در برخی موارد بیشتر می‌شود. بعد از استیلای مغول بر جامعه اسلامی تاکنون، این پدیده همچنان روند رو به رشد خود را در جوامع اسلامی حفظ کرده است.